سيكشناسي سیوطی در «النالی المصنوعه»

阉

چکیده

سیوطی که در زمره دانشمندان پرکار اهل سنت به شمار می‌رود در حوزه احادیث موضوعه با انگیزه پالازی، نقذ و تلقیح کتاب/ن殊والات نوشته ابن جوزی (۹۷۵-۵۹۳ ه) وارد می‌شود. نقل طریق مؤلف مبنی اصلی از ویگی های کار اوست که به تلقیح سند کمک کرده است. تلقیح احادیث ابواب مختلف و حذف برخی از روایات توهیمی را به این ترتیب می‌رساند که استفاده از ن殊والات آسان تر است.

اعتماد سیوطی بر ذهین و این حجر به یافته و نسبت از برخی روایات و روايان منتی‌ شده است. در نقل متن مورد تألیف شیعه، گاه بر اثر رد افزوده، ولی گاهی از عدم وضع برخی دفاع کرده است، اما در نسبت غلظ و رفض به روایان شیعی نمی‌توان تفاوت میان سیوطی و دیگر نفاذان قائل شد.

کلید‌واژه‌ها: سیوطی، موضوع، روایت.

شرح حال مؤلف

او یا الفضی جلال الدین عبد الرحمین بن اکبر الخضیری الآشیی الشافعی است که در چپ

۴۹ هجری، میلادی و در چماضی اولی ۹۱۱ هجری در گذشته است.

* دانش آموخته حوزه، کارشناسی ارشد علوم حدیث، کتاب. پژوهشگر بی‌وهکده کلام اهل بیت؛ مؤسسه

دار الحدیث.

۱ در کیفیت توله او اطلاع زیادی شده که هم در مقدمه کتاب و هم در مقدمه کتاب «الرسائل» آمده.
یاقوت حموی در توصیف زادگاه او می‌گوید: «اسیوپ» شهیری در غرب نیل از نواحی صحرای مصر است و شهری زیبا و بزرگ است. شخصی از مسیحیان گفته که ۷۵ کلیسای مسیحیان در انگیست، انواع شکر و غلیظ در آن وجود دارد، و در آنها مخدر ساخته می‌شود (معجم النبی‌های جن، ص ۱۳۱).

سیوطی ترجیح خویش را در کتاب حسن بن امیر ملک است و علیت این کارا افتادا به محدثین قبل از خود مثل عبد الغفار فارسی در تاریخ نیشابور، یاقوت حموی در معجم الادبیات و دیگران بیان می‌کند.

اصالت او آن‌گونه که در مقدمه، یسایر و روزان/البحث، ابتدا عجمی است؛ اما مادرش نژد کنیزی تزک بود.

او تبیحر خویش را در هفت علم تفسیر، حدیث، فقه، نحو، معانی و پیمان، یعنی شیوه عرب و اهل بلاغت معرفی می‌کند. در اینجا به تسلسل برناصل فقه و جدال و... را ام‌آرا حساب کرده سخت‌ترین علوم و دوستی داده و... ادعاه است که در همه آنچه ذکر شد به جز فقه و نقل از سایر خویش و دیگران سرام است و در حالت مشابه مقدمه استفاده فقه‌ش را از خود بالاتر از بیند.

بشارت بی‌پایان، مشهور به شیخ الحدید خواندن، او در خواص از همه دنیا بالاتر از ست و به این نسبت می‌باشد. ۱/٢ در همین بخش شمار مولفانش را ۲۸۲ عنوان کتاب ذکر می‌کند.

از نگاه دیگران

این عماد حنبلی درباره او می‌گوید: محقق معترف، صحابه، نویسندگان کتاب‌های علمی و سومه‌دار. بیشتر منتقدین او در زمان حیاتش در شرق و غرب سایر تألیف‌ها و معجزه‌بری پیشی گرفتند.

(شماره‌های، ص ۵۵، ص ۱۵۱).

عمر رضا مجدالله نیاز و امین مریمی در علوم متعددی می‌شمرد و می‌گوید: دانشمندی که در علوم کوتاهی شرکت جست، هنگامی که به چهل سالگی رسید از سرم کشته گرفت و با انتزاع از همه شاگردان در بغ‌مقایسه در حاشیه نیل خلوت گردید و بیشتر کتاب‌هایش را در این فرصت تألیف کرد (معجم الملکین، ج ۵، ص ۱۲۸).

۱- حدوثی می‌آید از آن به عنوان یکی از اولین کانکسیون‌ها در مصر.
۲- وی فقط همین شک علی را بر پیشنهاد است.
۳- آیت‌الله می‌آید کتاب بدل‌البی بی‌ندی و دکتر به کتابش در تألیف در اینجا و مجموعه آمده فنلیه‌که؛ از آن کتابی؟ مقاله در زمان اعتیاد. این شخصی اعظم عدلی می‌یابد بعد از این.
نجم الدين الغزلي در توصيف كتابه أو وعده انتشارات، بين موضد يوجد كتاب، قايل
وكتابه في بيئة تأليف كرد، القاد، جامع، سودنة، استوار، باقيه، قابل
اعتماد ومعبر هستند. بشترو مرفقات أو درمان جدائ، في درس مثل حفظ، شام.
حلب و روم غريب و تكركر و هند و بين مشهر كنث، و در رسوت تنوشت معجزة بيزه، من
معجزات الهي بود (الكركunts السانيا، ج، 1، ص، 428).

asantid و شاغدن

داودد: شاكر د نوشي سبوطي إجارة، قراءة و سماعاً. 41 نفر م دان داه نبه برخي أشاع

شراح الدين البلقيني (فقه): علم الدين ولد الشيخ سراح الدين (ت 868) سمع منه الحاوي
الصغير، دراج، شرح المنهج، تنبيه، الروضة، شهاب الدين الشارمساح (الفرائض): أبوكريا
يحيى بن محمد المناويا: تلق الدين الشمسي الحنفي (ت 878) في العربية والحديث: محي
الدين محمد بن سليمان الرومي الحنفي (التفصيل وأصول الآلهة): سيف الدين الحنفي
(الكشف، التوضيح، تلخيص المفتي، شرح الجوانب).

حرص برخى شمار ايشان ر أ 150 نفر أفازودان و انتداب او رازمان تمام ذلك قرف هل ستين نام
بردهان ك در خورة توجه است، ابن حجر در اين رابلط مريد،
علم را را أخذ بلقي و شرف مشاوي و شمس را فالانت و جلال محلي و زين عيبي و
برهان بلغي و سخاوي كه هردو شافي هستند، از محقق سرمزم مصر سيف الدين
يمكري و علميه فيحين الدين كافي، برغي و حافظ قاسم بن قطب، سودون و امام
 تقى الذين شعيّن كه هردو حنفي هستند و عالمان ذيكر ماكسي و حنفي (مقدمه ذيل
(التنوراة الحفاظ، ص، 4).

از تعداد شاغدن او با عباراتهم تعداد زيدو و جماعات يداد شه، است ك ان جمهور
توان به إبراهيم بن عبد الرحمن العلّمي، أحمد بن علي البرداي أحمد بن تانا بكي، أحمد بن
محمد بن محمد بن علي بن حجر الهشمي، أحمد بن محمد بن محمد ابن سراح العباري (الدر
/بشير ج، 1، صص 15 - 13) اشارة كرد.

كلامي در خور تأم

در مقدمه ذيل تذكرة الحفاظ كلامي اضغط د奥迪 نقل مي كند و ان را به بوته نقد مي كشد.

---
1. شمس الدين محمد بن علي بن أحمد داويدي.
2. سبوطي 13 سال سابقة ملزم بي اين استادشير دار.
داوودی می‌گوید:

سیوطی در مقام آگاهی بخشی بر احادیث ساختمانی و نسبت داده شده به پیامبر را از مور می‌کند. می‌گوید سبیعی در مقام آگاهی بخشی بر احادیث ساختمانی و نسبت داده شده به پیامبر را از مور می‌گوید. می‌گوید سبیعی در مقام آگاهی بخشی بر احادیث ساختمانی و نسبت داده شده به پیامبر را از مور می‌کند. می‌گوید سبیعی در مقام آگاهی بخشی بر احادیث ساختمانی و نسبت داده شده به پیامبر را از مور می‌کند. می‌گوید سبیعی در مقام آگاهی بخشی بر احادیث ساختمانی و نسبت داده شده به پیامبر را از مور می‌کند. می‌گوید سبیعی در مقام آگاهی بخشی بر احادیث ساختمانی و نسبت داده شده به پیامبر را از مور می‌کند. می‌گوید سبیعی در مقام آگاهی بخشی بر احادیث ساختمانی و نسبت داده شده به پیامبر را از مور می‌کند. می‌گوید سبیعی در مقام آگاهی بخشی بر احادیث ساختمانی و نسبت داده شده به پیامبر را از مور می‌کند. می‌گوید سبیعی در مقام آگاهی بخشی بر احادیث ساختمانی و نسبت داده شده به پیامبر را از مور می‌کند. می‌گوید سبیعی در مقام آگاهی بخشی بر احادیث ساختمانی و نسبت داده شده به پیامبر را از مور می‌کند. می‌گوید سبیعی در مقام آگاهی بخشی بر احادیث ساختمانی و نسبت داده شده به پیامبر را از مور می‌کند. می‌گوید سبیعی در مقام آگاهی بخشی بر احادیث ساختمانی و نسبت داده شده به پیامبر را از مور می‌کند. می‌گوید سبیعی در مقام آگاهی بخشی بر احادیث ساختمانی و نسبت داده شده به پیامبر را از مور می‌کند. می‌گوید سبیعی در مقام آگاهی بخشی بر احادیث ساختمانی و نسبت داده شده به پیامبر را از مور می‌کند. می‌گوید سبیعی در مقام آگاهی بخشی بر احادیث ساختمانی و نسبت داده شده به پیامبر را از مور می‌کند. می‌گوید سبیعی در مقام آگاهی بخشی بر احادیث ساختمانی و نسبت داده شده به پیامبر را از مور می‌کند. می‌گوید سبیعی در مقام آگاهی بخشی بر احادیث ساختمانی و نسبت داده شده به پیامبر را از مور می‌کند. می‌گوید سبیعی در مقام آگاهی بخشی بر احادیث ساختمانی و نسبت داده شده به پیامبر را از مور می‌کند. می‌گوید سبیعی در مقام آگاهی بخشی بر احادیث ساختمانی و نسبت داده شده به پیامبر را از مور می‌کند. می‌گوید سبیعی در مقام آگاهی بخشی بر احادیث ساختمانی و نسبت داده شده به پیامبر را از مور می‌کند. می‌گوید سبیعی در مقام آگاهی بخشی بر احادیث ساختمانی و نسبت داده شده به پیامبر را از مور می‌کند. می‌گوید سبیعی در مقام آگاهی بخشی بر احادیث ساختمانی و نسبت داده شده به پیامبر را از مور می‌کند. می‌گوید سبیعی در مقام آگاهی بخشی بر احادیث ساختمانی و نسبت داده شده به پیامبر را از مور می‌کند. می‌گوید سبیعی در مقام آگاهی بخشی بر احادیث ساختمانی و نسبت داده شده به پیامبر را از مور می‌کند. می‌گوید سبیعی در مقام آگاهی بخشی بر احادیث ساختمانی و نسبت داده شده به پیامبر را از مور می‌کن...
در این موضوع ابوالفرج ابن جوزی کتابی جمع آوری کرده و در آن احادیث زیادی آورده که به مرجع وضع نمی رسد و حتی احادیث صحیح و حسن را از آن به است. این ابراد را بزرگان حديث از جمله این صلاح در علوم حديث و پیروران و تکرر داده‌اند.
بر این اساس ارگچه حاج خلیفه در کشف العظوم را تلخيص موضوعات ابن جوزی می دانند. (کشف العظوم، ج، 3، ص 1535) لکن نقد کتاب ابن جوزی نیز از اهداف سیاسی بوده است.

علت تألیف کتاب
سیاسی انگیزه خود برای تألیف کتاب را ابن گونه بیان می‌کند: مدت زیادی در ذهنم فكر باکسازی و تقد و تلخيص کتاب ابن جوزی برای بهره‌برداری استفاده کنندگان وجود داشته.
پس سه هدف ذکر می‌کند:
1. باکسازی و پاپاشی کتاب ابن جوزی از احادیثی که به مرجع وضع نمی‌رسد.
2. نقد ابن جوزی در موضوع خواندن برخی روایات و وضع دانستن برخی روایان.
3. تلخيص.

میزان موفقیت سیاسی در هر سه بخش محل دقت و تأمل است که با آن مورد مطالعه قرار گیرد. مطالعه کتاب نشان می‌دهد اول تلاش زیادی در رسیدن به هدف اول انجام داده است. سیاسی با دو ابزار جستجوی طریق متعدد کتاب و نیز دفاع از برخی از روایات تا حدودی این هدف را محقق ساخته است. در حالی که در روایاتی که نظری همسو با ابن جوزی دارد گاهی به تأیید انی از ذهبی و ابن حجر اشکال می‌کند، اما در روایاتی که مخالف است به بسیاری از روایات می‌پردازد.

حجج کتاب سیاسی حدوداً یک تا سه کتیبه‌ای موضوعات است.

سیر تألیف کتاب
الف) تدوین نسخه اولیه
در بین سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۷۲ نسخه اولیه کتاب را تدوین می‌کنند: این نسخه/موضع‌ها.

الب) ویرایش نسخه
1. کتاب نسخه‌های قبلی را قلم و وجه اختصاص به اختلاف حديث در مباحث مختلف اشاره شده، و
2. نسخه برداری از آن و ارسال یک نسخه به سرزمین تکرر.
ب تدوين مستدرك

                                                      ۴۰۵
                                                      ي نکذ.

ویرگیهای ابن نسخه

1. استفاده التفوقات على وجه المبسط.
2. الإحالة موضوعات كثيرة فات على لفظ.

تكتمؤ مشكل بودن الحاق ابن نسخه به نسخه قيلى ولزم و دشاری از بين بردن تمامی
نسخه‌های این اثر می‌شود و هر دو نسخه را نگه دارد و لی اعتماد و معیارا بر نسخه
الموضوعات الكبرى قرار می‌دهد.

منهج علمی

1. نقل مستقيم حديث از همان منبعی که ابن جوزی حذف را از آن نقل کرده; پس به ضرر
نقل او اعتماد نمی‌کنید.
2. نقل سنن حديث از منبع و حذف اسناد ابن جوزی به منبع حديث.

مثال: حديث خلقنات خداوند از عرق اسب مخلوق

سنین الموضوعات ابن جوزی: آیاتا ابو الفضل محمد بن ناصر الحافظ قال آیاتا ابویزکر أحمد بن علي
بن عمر بن الخلف الشیرازی قال آیاتا ابویزکر أحمد بن محمد بن عبد الله الحاکم البسیری (صاحب مستدرك).
قال آخرینی اسماعیل بن محمد بن الفضل بن محمد بن محمد الشیرازی قال آخرینت عن محمد بن شجاح
الملحق قال آخرینی حیان بن هلاب عن حماد بن سلمه عن أبي هریة......

سنین الالی المصنوعة سیوی: (الحاکم) آیاتا اسماعیل بن محمد الشیرازی آخرینت عن....... أبي
هریة......

نتیجه: ابن جوزی سنین خودش به حديث را نقل می‌کند اما سیوی طریق مؤلف کتاب منبع

را.

3. قرار دادن رمز (ج) برای احادیث که ابو عبد الله الحسین بن ابراهیم الحوزقانی (آزاده
است. و مجموعات ۳۱ طریق را به استفاده جوزقانی ذکر کرده است. در برخی موارد تأیید وضع، در
بعضی دیگر وضع و یا منهم به وضع راز گفته او استفاده کرده است.

١. الحافظ الفامی ابو عبد الله الحسین بن ابراهیم الحویلی مصنف کتاب الأباطیل و هو معملی
أحادیث موضوعة و واهیة... فقد بین بطلان احادیث واهیة بمعرفة‌آحادیث صحح لها (الجمال الحدیثی ج۱.ص:۱۳۸۸).
نمونه اول: سیوطی در زمره روایات ایمان روایی می‌آورد که ابوهویه گفت:
از نشانه‌های ایمان کامل آن است که درباره این شاه‌الله بگویی.

ابن جوزی این روایت را به جهت وجود معارک و عبادت به بسیاری از علماء پیشبرد. (سیوطی، جلال‌الدین، «الملک المصبح»، ج 1 ص 135) سیوطی نیز با اینکه با نظر ابن جوزی موافق است، می‌نویسد: "جویخان این حديث را ثابت انگاشته و به واسطه آن بر پل و سه حديث گذشته (در رد نظر مرچی) استفاده نموده است اما منهج جوزیان را آورده احادیث پذیرفته شده در نقد احادیث معرفی می‌کند (همان، ص 34).

نمونه دوم: ابن جوزی پس از نقل احادیث در مورد نمازهای ایام هفته می‌نویسد:

سیوطی با نقل گفته ابن حجر به تقد نظر ابن جوزی منشی بر وضع بودن جوزیان می‌پردازد. امکان است در اساس اجرای علم قبل خیانت روز به این بدناره که در داخل شرط صحیح است، جهت تکیه برای جوزیان در وضع حديث باقی نماند. همچنین او ترکیب اسناد است که ناشی از کم اطلاعی از این موضوعات، اما اعمال عمدی در کتاب ابتدای سیاه می‌تواند در این حبان است. مناقشات در این روایات از این حبان است که مجزه خواندن شده‌اند در حالی که مشاهیر به شمار می‌روند (همان، ص 117).

مقايسه تنبیه کتاب

سیوطی احادیث کتاب خود را در ضمن 26 کتاب آورد: مقایسه تنبیه سیوطی و ابن جوزی می‌تواند در مقایسه دو کتاب و تقد هر کتاب سیوطی (براساس آنچه در مقدمه ادا کرد درصد آن است) ما را باید بررسی نماید.

1. سیوطی کتاب آبیاران قدیمی را چگونه ذکر می‌کند در حالی که ابن جوزی احادیث آن را در کتاب المبادا می‌آورد.

2. سیوطی احادیث زکات، فعل المعروف و محرک السخاء و الكرم را در ضمن کتاب/المبادا آورد ولی ابن جوزی برای هریک کتاب مستقل قرار داده است.

3. سیوطی احادیث سفر می‌آورد کتاب نیاده آورد ولی ابن جوزی کتاب مستقل برای احادیث سفر قرار داده است.
1. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از

۴. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از

۴. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از

۵. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از

۶. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از

۷. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از

۸. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از

۹. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از

۱۰. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از

۱۱. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از

۱۲. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از

۱۳. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از

۱۴. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از

۱۵. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از

۱۶. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از

۱۷. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از

۱۸. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از

۱۹. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از

۲۰. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از

۲۱. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از

۲۲. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از

۲۳. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از

۲۴. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از

۲۵. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از

۲۶. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از

۲۷. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از

۲۸. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از

۲۹. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از

۳۰. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از

۳۱. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از

۳۲. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از

۳۳. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از

۳۴. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از

۳۵. سبئي طقكاب الأحکام را يس إرثحدا مي أود در حالي كه این جوزي بعد ان زدايا وقبل از
نتیجه‌گیری: اگرچه نمی‌توانیم تغییرات سیوطنی را در همه آباده‌ها به‌طور کلی مشاهده نماییم، اما استفاده از بهره‌مندی‌های آسان احتمالاً در/در نظر گرفته شده‌است.

علاوه بر آن تلخیق غیر ضروری برخی کتاب‌ها و برخی از ساختار غیر صحتی احتمالی و حذف هدفمندی برخی روایات مؤلف کتاب را از هدفی که در ابتدا ترسیم نموده بود تا حدود زیادی دور خورد.

میانی وضع شناختی سیوطنی

او بر خلاف این جوزی مبنای موضوع بودن روایت را بر پایه شناخت راوندی استیلی انتشار نمی‌سازد، و به مجموعه روایات وارد شده یا محدودی مشابه و مشابه توجه زیادی دارد. به خلاف این جوزی، سیوطنی مجموعه‌ای از روایات با استناد مختلفی به باشی امکان کند و در نهایت حذف را از مرحله وضع خارج می‌سازد. پس این حکم به ضعف، حسن و حتی صحت حفظ را خود و یا به تقلیل از دیگران به حضور نسبت به دیدگاه این جوزی در حکم به وضع در احیایت، سیوطنی، به‌شیوه، ج. ص. ۱۳۷۲ در نند شیوه برخی حفظ شناسان در حکم به پیمان مناسب‌سازی از هیچ‌کدام دچار نارضایتی به دیگر طرف آن می‌شود:

این جوزی فریب این شیوه غلط خود و متناقض را موضوع شمرده است که موجب عیب‌جویی بزرگ‌اند می‌باشد. انتشار داده‌است (سیوطنی، به‌شیوه، ج. ص. ۱۳۸۰).

نیز به تنافی عمل او در آوردن احیایی که به مرحله وضع نمی‌رسد در کتاب/العمل و تکرار بخی‌آز آنها در کتاب/العمل‌ها است. ممکن است این در دهه گذشته استفاده از تظیف راوندی برای جهان و سپس این عدل و عقلی است، در حالی که سیوطنی پس از این عدل و این جهان و عقلی برگشت و از دیدگاه انجام داده‌است. بودن مورد معتقد به نظرات این جوزی و استدلال‌های به کلام این جهان در درد یک‌راوی و یا یک روایت مخالفته می‌کند. نیز در موارد مبتدی جهت رفع وضع از حذفی به ذکر طرف دیگر برسایدوی می‌پردازد. به نمونه‌هایی توجه فرمایید:...

الف) راوندی که سیوطنی اظهار وضع را نسبت به ایشان نفت کرده بودند از موسمه بین عیده (ج ۱، ص ۲۲۳)، عبدالرضا بن حمیره (والد علی بن الامینی) (ج ۱، ص ۵۸)، فضل بن علی الرقاشی (ج ۱، ص ۱۹)، طلح (ج ۱، ص ۲۸)، وی (ج ۱، ص ۵۸)، محمد بن...

۱. برای اطلاع از مواردی که در این روش ابزاری بی‌پی‌پی شده بگردد: ج ۱۳۷۲ ص ۲۳۵ و ۲۳۴ و ۲۷۲ و ۲۷۶ و ۲۷۴ و ۲۷۴.
۲. موارد مبتدی ای که گل به گل در سنین احیای شده می‌کند و به صرف گلاب در یک راوند می‌کند.
۳. نمونه‌های این احیای در سرچ جال، حسن بن محمد بن یشیجی و حسن بین حسن غلیکن، خواده آمد.
عباسوی و درست بین زیاد (ج، ص ۱۲۸)، ایویس بین عقیقی (ج، ص ۱۲۸)، زبرکی سلیمان (ج، ص ۱۲۸)، لیث بین ایس سلیم (ج، ص ۱۲۷)، عائیس نب سلیم (ج، ص ۱۲۸)، رشدین بین سعد (ج، ص ۱۲۸) و ۱۲۴) عیسین بین داوی (ج، ص ۱۲۸) وی به خشکی (ج، ص ۱۲۸) و مسلمه بیلی الخشکی (ج، ص ۱۲۸).

۱. سبیلی حدیث حجاج‌های هفتادانه میان خداین و ملانکه را با طرق متعدد تقویت می‌کند و با وجود آن حکم به وضع را نسبت به آن منتفی می‌داند (همان، ص ۳۲۸).

۲. حدیث انسانی و ابن عباس درباره کوه‌های مکه او ذکر طرقات متعدد از منابع تفسیری و خوانندگان,

۳. روایت‌ها و ادبیات در فصل بیت المعبور او به استناد کلام عقیقی که روایت داره با استناد صالح در این باب نقل شده این حدیث را غیر موضوع می‌داند (همان، ص ۳۲۸).

۴. روایت‌ها و ادبیات در فصل روایت بس هشتاد سالگی او به استناد کلام ابن حجر که برای روایت طرقات متعددی از انس و غیر او که با ملاحظه مجموع آنها موضوع دانسته ممن مراجعه می‌کند.

۵. حدیث انس در کرج هم‌نشینی علماء با سلاطین او با سه بیان به تقویت حدیث می‌پردازد. حدیث را از مسند حسین بن سفیان و دیلمی با طریق قابل اعتقاد می‌آورد. طریق دیگر حکم که به آن مربوط اعتراف و جعفر بن محمد موفوق توسط عسکری و ابوعلیم أماده را نقل می‌کند. در نهایت شاهدی از حدیث عمر بن الخطاب بر آن می‌آورد. سبیلی در تنبیه کیفری به مقتضات علم حدیث این حدیث را حسن می‌خواند (همان، ص ۳۲۸).

۶. سبیلی روایت موجبی هر روایت قابلیت را ناقصد، را با روایتی از عدل‌الدنصل سلاحی، روایتی ذکر می‌کند در تایید کلام او انساب وضع و نکارته به آنرا گاجنیغی اجتنابی و روایتی ذکر می‌کند (همان، ص ۳۲۸-۳۲۷).

۷. او در ذلیل حدیث که اوس ابن اسحاق در چهارمین بهشتی عثمان نقل می‌کند

۸. او در ذلیل حدیث که اویس ابن اوبن ابن حریس تکرر که در حدیث سلمان، علی مغری شده است: سبیلی ضمن ابراز طرق متعدب این روایت از خطب‌های، حمایت نیماتی و حمایت ابن اسماعیل بیادر. ضمن آنکه این حدیث توسط مردم در معارف را تناقض ادام موضوع و عمل در دانستن این حدیث می‌داند (همان، ص ۳۲۸).

۹. سبیلی در ذلیل روایتی که سهیل بن سعد از گفتگوی چهارمین به پیامبر و در مورد فضیلت نماز شلب و استغیظ از مردم نقل می‌کند، طریق از حاکم و ایس ابن حجر می‌آورد و در مقام قضاوت بین...
تصحیح حاکم و تضعیف این جوزی، ضمن نفی وضع و صحت، حديث را حسن می‌خواند
(سیوهی، پیشینه، ج ۲، ص ص ۲۸-۲۷).

۱۰ در مورد از روایت‌ها احترام سبوطی به نقد محتوایی میدارد و علت موضوع دانستن این
روایت را و عید موجب در روایات می‌داند، و تصمیم می‌کند در احترام صحتی بردن ایمان و
وعید شدید بر عهده‌ای گفته‌اند و شده و نتیجه می‌گیرد که قبل از تأیید در تفسیر روایات آقای
به موضوع دانستن أن روایت است (همان، ص ص ۱۲۵).

۱۱ سبوطی در ذیل روایتی که ایتوبه‌ریزی در کتاب الهام پایه‌ریزی در کتاب الهام پایه‌ریزی در کتاب الهام پایه‌ریزی
به شدت بر این حبان می‌نارد و روایت مسلم در صحیحش را نشانه قرار گرفتن حديث در نهایت
صحخت می‌خواند. نباید شک راهی به کلام این حجر و ذهاب در غفلت شبدید ای این روایت را تنها
روایی می‌داند. که در صحیح آمده ولی این جوزی موضوع خوانده است (همان، ص ص ۱۲۵).

۱۲ این حجر در روایتی که دلالت بر غسل حضرت زهراء قبل از وقعت دارد، تضعیف یافته
محمد بن اسحاق و تایید طریق دیگر روایت را نشانه پی جهت بودن نسبت وضع می‌شمرد و این
خلاص را ویرگی منحصر به فرد آن حضرت می‌خواند و تنزیه مقام حضرت که باعث استناد
ابن جوزی شده است بر بی جهت می‌انگار (همان، ص ص ۱۲۵-۱۲۶).

۱۳ (ج) روایاتی که از جهت تمیزی بر این جوزی خوده می‌گیرد به قرار زیراست:

۱ این جوزی در طریق متعدد حدیث در مورد طلب خیر از صاحبان صورت نیکو، روایت از جمله
عیدان عباد، را متهم کرده و به نقل از این حبان می‌نویسد:

عیدان عباد را متهم کرده و به نقل از این حبان می‌نویسد;

۱۴۶-۱۴۶ (ب) بالماقاله تصویح الهام (همان، ص ص ۱۲۶).

سبوطی در این مطلب به استناد کلام این حجر معتقد است گفتگه ابن حبان در مورد عباد
بن عبد الفاعلی است که به‌انشای ابوعوصیه، است ن در مورد عباد بن عبان الهامی که راوه این
سند ذکر شده است (همان، ص ص ۱۲۶).

۲ در باب (اصله‌نامه مشهور رای آلی و زوج در امور أعماق) این جوزی از پیامبر آمده
که او یعنی روایت است (خدا) می‌داند و قصد واضح آن را حسن بیان سیوهی. وی حکم
بن ظهیر و سیدی از روایان این حديث را متهم به وضع می‌کند (سیوهی، پیشینه، ج ۱، ص ص ۱۴۷-۱۴۶) سبوطی ضمن تایید به ذکر این روایت در مرجع معتبر جوانی بزرگ و ابویعی، این
جریئ‌اند و این ابن حبان به ایراد سندی از حدیث به نقل حاکم آن را بر طبق شرط شیخین
صحخت می‌خواند و در مورد سندی می‌نویسد:

سندی که نامی در سند آمده سندی کاذب نیست، او محمد بن مروان صغير است و راوی
ابن حديث اسماعیل بن عبدالرحمن یکی از رجال مسلم است (همان، ص ص ۸۸).
نقل مئون موضوعة مود تأبيد شيعه:
سيوطي برخي احاديث موضوعه اي را ذكرن مي كند كه ات نظر شيعه نيز مسلمأ ووضع شهاند.
أو حديثي كه روافض را ملومن مي دانن ذكرن مي كند اما ازاظهات نظر شخصي خواداري مي كند و
فقط مي گود: وانله أعلم!! (همان، ص 340).

نكته: اين نسبت كه در دوره هاي مختلف به شيعان داده مي سود نتها مرتل شيعان را
پايبين نمي اورد بلکه بنا به فرايمش اتمه زييتن است كه خداوند به ايشان عنایت فرصده و
كاخهای باوقت و زيئد را ايشان فراهم ساخته است (رک: اختصاص ص 401: حمد. المعجزات،
ص 77).)

أو همچنين احاديث موضوع در رابطه با عاشوراء از جمله فضائل مثل انتقال، اطعام، صوم و
روز قيمت بودن عاشوراء را موضوع مي دان و اعارف مي كند كه اينها بدعتي است كه قاتلان امام
حسين مل اخراج و جعل كردهان (سيوطي، بيشينج، ج 2، ص 202).

در نطقه مقابل از برخی احاديث دفاع مي كند.

1 حديث سدوا الإبواب

اور در مقابل نظر اين جوزي كه همه طرق حديث "سدوا الإبواب" را باطل و از موضوعات
رافضيان مي داند، ابتدا به كلام اين حجر استناد مي كند كه ات نتها دليل موضوع دانستن اين
روايت را مختلف با حديثي در صحيحين مي شهرد. اين حجر اينگونه تعامل با روایات را مقابله با
احداثي صحيح به مجرد توهيم در صورت عدم امكان وقوع مي خواند. وي باقین وجه جمع توسط
ديگران را احتمال مطابق انساف مي خواند و مراعات تقوي در این قبیل احاديث را به توقف
مي داند. در حال اين حديث براساس نظر اين حجر از جمله احاديث مشهوری است كه طرق
متعدد داد كه هر كدام از آنها از رتبه حسن كمتر نیستند و مجموع آنها قطع به صحبت مفاد حديث
را بر مبنای بسیاری از آیات این فی نتیجه مي دهد (سيوطي، بيشينج، ج 1، صص 319-318).

سيوطي پس از این بیان می گوید:

۱۸-۱۰۴. عدد این احاديث در حجم نقل شده دلیل علی لفظ "سوا الإبواب" نیست به‌طور کلی، البته نظر به تفاوت و تفاوت بروز در موضوعات و احادیث، اندازه‌گیری این اعداد نیاز به مطالعه بیشتر دارد که ممکن است در آینده مورد بررسی قرار گیرد.
۲. حديث مديتا العلم
سیوطی در دیل این روایت نیز مانند بسیاری روایات دیگر به طرق متعدد حاضر می‌کند و کلام این حجر در این باره را ایم آورد. اما معتقد است طرق متعدد این روایت در مسترک حاکم به گونه‌ای است که کمترین درجه آنت که بگویم روایت اصلی دارد و شایسته نیست موضوع خوانندگی شود.

اگهآ سیوطی حديث دیگری که این فضیله را به ایوبکر نسبت می‌دهد از اسماعیل بن المثنی الاستراتابیدی مورد و داستان مطابق سنده حديث توسط شامیان و سکوت او در قبل این مسأله را بیان می‌کند (همان، ص. ۲۰۳).

۳. قتال ناکنکین و قاشعین و مارقین
این جویی در دیل حديثی که از عمر بن بایسر در افسانه خدا بر قتال ناکنکین و قاشعین و مارقین آمد، اصیب به تضعیف می‌کند. سیوطی ضمن ابزار طرق متعدد برای این روایت به دفاع از آن میراد، (همان، صص ۲۷۶-۲۷۴) و حکی در حديث دیگری که مشتمل بر ابیصح است به نقل از حاکم آن حديث را صحیح الأساند می‌داند (همان، ج.۳، ص. ۶۵).

۴. حديث در النحس
او ضمن ابزار طرق متعددی برای این حديث تضعیف بین مروظه را که تلقه و صدوق خوانده شده و با خبر و مسلم و این عقده و دیگران از روایت کرده‌اند را بی‌اثر می‌خواند (همان، صص ۳۷۲-۳۷۱).

سیوطی برای حديثی در sàn طرق متعددی ذکر می‌کند و در نهایت می‌گوید:
از جمله شاهد صحح این حديث فتحی شافعی و غیرآمسترد همی‌سازی نیاورده مگر آنکه بی‌امر اسلام شهوت آن اثر آورده است. بر اساس روایت صحیح خورشید در شیخاپ جنگ با جباریان بر پوش شکنی کش و این قصه شبیه آن واقعه است
(همان، ج.۱، ص. ۳۸).

با این حال ظاهره صحح حديث را می‌پذیرد هرگانه که در صدد آن بوده است.

سیوطی و نسبت رفض
وی به هفت نفر از روایان نسبت رفض می‌دهد و یا نسبت رفض دیگران را برای اثبات موضوع بودن احادیث این دسته نقل می‌کند.
بررسی روایات این عده و شناخت شخصیت‌شناس از دیدگاه بزرگان راجع نگاه جامعی از میزان موضوع بودن احادیث این به ما می‌خشید: ضمن آنکه پس از مورد ادعای سیوطی در بالا این
کتاب ابن جوزی از احادیث ضعیف و حسن و حتی صلاح و نقد آن را آسان می‌سازد و میزان موثوقی او یا آشکار می‌کند.

1. یحیی بن الحسن بن اسماعیل

او به خاطر نقل حديث در حرم آتش چه‌گهی برعمودین پیامبر و عبد المطلب و فاطمه بنی آدم (همان، ص 244) به رقیق و ضعیف و جعل متنهم شده است. لذا افاضه این روایت در متاباب مختلفی با ترتیب متعادل ذکر شده است مثلاً خود سیوتو در کتاب/تعیین والمنه این حديث را ذکر می‌کند (ص 25 همان، ص 47).

نکته مشهور و قابل توجه در زمینه اعتقاد مطلق سیوتو بر ذهیب و کتاب میزان الاعدال است. ذهیب در شرح حال او، تنها به رافقی بودن او اشاره می‌کند. و به جهت ذکرآی را کاذب می‌خواند که این جاهل متنهم به وضع آن است! (میزان الاعدال، ج 4، ص 335، شماره 1988، ج 4، ص 336، شماره 1988 و فهرست نجاتی، ص 441، شماره 1889 و فهرست الرجال، ج 14، ص 38، شماره 128).

شماره 8234 و 645، شماره 18234، مجموع رجال/الحديث، ج 7، ص 33، شماره 12881.)

2. الحسن بن محمد بن یحیی

او حديثی در پایان بخشیدن سلسله اوصیاه توسط علی بن حمزه، به شیعه نقل می‌کند (سیوتو، پیشینگ). همان، ص 330 سیوتو به اعتماد عبایت ذهیب در میزان که این روایت در مرتبه علی خیرلترا داشته و رافقی بودن وی می‌داند. ذهیب کار را به جایی می‌رساند که برای پادرست که اگر متنهم بوده جهت حضرت بودن، محدثان بر گردد و از حامی می‌کردن (میزان الاعدال، ج 1، ص 51، شماره 146، 129).

در منابع شیعه، وحید به‌پیمانه به واسطه شیخ اجازه بودن تلکبیری و صدوق، روایت زید ارشاد روزی و عدم اعتماد بر تضیعی این غزایی در اصلاح حال و ناکام کرده است (فهرست الرجال، ج 3، ص 299، شماره 299). همجین روایت خاتم اوصیاه در ضمن خطبه معروف امام حسن (۶) در منابع مختلف شیعه و سبیل آنها است.

1. علامه امین در.علی‌محمد، ج 7، ص 329 می‌گوید: اخراج الزهار و الیزابطریفی در الكبير و ادب الفرج در مقالات و همچین در مرزیج در شرح النهج ج 6، ص 18 و الهیوهی مجمع، ج 18 و این الصواب المالکی در الفصل ص 126 کنجه در اکثر اصوصیات ص 126 الصواب المحرقة 101، و 126 دیدگاه نجاتی، ص 231 و 321.

2. همچنین در مصادیق حديثی شیعه نیز به قارزیر آنده است: کتاب‌خانه، ج 2، ص 444، ماهیت السیوتو، ص 276، و حافظ او، ص 176 و مجموعات آل ابرت بالا: ج 7، ص 37، و حیات حضرت، ص 339، و 126 نیز در حدیث تصرف به این مفاهیم شباهت داشته است.
3. عبد السلام بن صالح الهروي
او أبا الصلت خادم مولانا أبو الحسن الرضا عليه السلام. حديث "أن مدينة العلم وعلى بابها رأ كفر" نموذج وسبياري را به نقل ابن حديث توشيق كفره أست.

سموتي مي هو:

درباه ابن حديث از احمد بن حبيل سؤال شد پس گفت: خدا صورت ابا الصلت را سیاه

کند.

بايد ديد نقش أبا صلت در روایت حديث چیست که ابن گونه ابن مریم بود. سموتي مي هو:

یجی بین معین گفت: ابن الصلت مرد تروثتی بود که در بین ابن احادیث بود و مشایخ

دیده را کرگم مینمود و ایشان ابن احادیث را درک می کردند.

پس نقش ترویج و اشاعه ابن حديث به دست او بوده است. لازم به ذکر است یجیه بن معین

ابن حديث را صحیح می داند.

یجیه بن معین، ابو سعید هروی، ابی داوود، سبیل بن الحج، ابن ماجه، حاکم نیشابوری، ابن حبان، ابن حجر، مزی و عجلی از ابا صلت به تنهایی، صداح، دارقطی، خلیفه، زاهد، عالم و مقبول یاد کرده اند (۱۴۴۹). بیش از ۲۵۰ ص (۱۴۴۹) گزیدن عقلی و

دارقطی نوانسته‌اند او را بیانی و از او به رفضی و خیبت اسم پرده کردن (کتاب توضیح، ص ۲۰۷). اما ابن ابی حنان و ابن عدی تنهای به معرفت بودن او اکتفا کرده‌اند (الجیب رکانی، ص ۲۶۸). دو به حروف می‌گوید:

شیخ علم عابد برک شیعیان او صحاح فضل و جالد است و ای کاش تله بود. معرف

است که او گفت: "دست شیعیان از منی امیه بهتر است" (برکات مبانی، ج 11، ص ۲۴۶).

سموتي طی بختی در حديث و اسناد آن در شر صفحه در نهایت به پیروش شیعی سازی شده

می برده به تشکیم ابن فضیلت نظام میلائیون عيان سالار خلاص می‌پردازد. او می‌گوید:

ابن عباس کرگفت... بل وابن حديث از بزرگان صدر الامام به صورت کامل شناخته شده

نیست و بیشمار فردان: ابن مدینة العلم و ابن بكر أسسها و عمر حمصان و عثمان سفلا

و علی ایشان من شیر علم و ابو بكر اسسأن و عمر دیویارهای آن عثمان سفاه و علی در

آن است... (سموتي، پیشین، ج ١، ص ٣٠۸).

در حديث ایمان، "نیازی از سخن به میان می آورد و کلام احمد بن سنان و خطیب بغدادی در

تجلیل از و صحبت روایات را ذکر کنند (سموتي، پیشین، ص ۲۸)."
24. عبد الرحمن بن شريك

أو رأى حديث (رد الشمسي) 4.

است. يخاري درآلأدب المفردات أو روايته نقل مي كند وى متوافقاً 327 هـ. ابن حبان وابن حجر أر فيه وثائق ومصادر متخصصة مودة أند واكر به خطا را موده أو محتمل داسته أند ولي بر وأختار استه كروايته بره حديث وضع وجعل تخوذه سديد (ابن حبان، النحو، ج 8 ص 375، ترميبي النحو، ب، ج 1 ص 173، ش 324)، لكن ابن سؤال

باقي مسند كى أيا هذ أو تلحظ كتاب ابن جوزى وتحذيب أن أحاديث غير موضوع أين

ةنی تامین سیوده؟ وآیا عیازهم فقط موضوعات را أورد؟ وآیا يستنده است ابن كونه بر كلام

باطل جزاقئی تکیه كند وجزائ الهدف نفسه نقل می موضوعات جلوه دهم؟

5. محمد بن عبيد الله بن أبي رافع

او، بدر و بدرانش از رأسخان در ولایت أمیر المؤمنین خ. بودند. پدر کتاب أمیر

یورد و حديث لا فضیّ لا على.. را نقل می كند؛ ابن ماجدة أوز حديث نقل می کند

(الکافی، ج 2 ص 197، ش 254، شبه الانتماء، ج 6 ص 26، ش 463) وابن حبان در

اللغات من أورد (اللغات، ج 7، ص 400، برخی نیز را ضعیف می دانند (الکافی، ج 1 ص 141;

الضعفاء الصغرى، ج 19 ص 322، ضعفاء الكبير، ج 3 ص 104). او سال 157 هجری گذشته

است.

کنه: سیووتی در اینجا نیز به پروردگر خیبری ساری دست می زند و به نقل از ابن طاهر در تذکر

الحفاظ قصه را برای زیر نیز به یکی می نویسد (اللامی/المصنوع، ج 1 ص 32).

6. عبید بن يعقوب

او در سه موضوع مورد تعرض سیووتی واقع می شود: در حديث شجره 2، إذا مهتاب معاویة 4 و نزل

جریبی( سیووتی، همان، ص 449) با عبارات رافضی و داعیه طرف می شود.

---

1. عن جابر بن عبد الله أن النبي ﷺ ثمائم أن تآخر سعیة من النهار فأخبرت سعیة من النهار.

2. عن مورد فضل بن مروزی رك معرفی الاقتراح: ج 3 ص 308، شماره 488.

3. عن معن وابنهم وعدهم وأولادهم من صالح سلسلة السنة وهم مؤلفات تند على رسوخهم في الشیع.

4. من المستندات علوم الرجال: ج 7 ص 198.

5. عن عاصم بن نصرة عن علي مرفوع مثل شیره أنا آمرة وعلى فرمها وحسن الحسن وحسن شیرها وشیعه وراثتها

فأي شيء يخرج من الطب ألطب. النشائی/المصنوع: ج 1 ص 245.

6. عن رضوان علیہ السلام إذا رأیت معاویة يخطب على مبسوط الفابل: النشائی/المصنوع: ج 1 ص 280، أكـ. 197.

7. عن حاکم را می آورد: قال: الحاکم سمّى أبا العباس محمد بن يعقوب بن يوسف يقول سمعت أبا بكر سمعت

إحسان بن إبراهیم الهذلي يقول لا يصح في فضل معاویة حديث (هیج حديثی در فضل معاویه صحیح نیست).

---

215
7 محمد بن فارس

اور در سال 250 هـ گذشته و این خزيمة و این حجر أو را صدوق می دانند (نه. ب. کمال)

ج 14 ص 177: تربیت النهیا، ق 1 ص 470 (و) أبو حاتم أو را توثیق نموده است (الجراح

العندی، ج 4 ص 47، رقم 437) اگرچه مذکر و عقیده ات از فاسد می دانند. سید این طاووس

روایتی از او فضائل امیر المؤمنین ﷺ نقل می کند. 1

ثانياً احادیث بسیاری در دلالات بر اهمیت و جایگاه محبب امیر المؤمنین ﷺ در قیامت از أهل

سنت نقل شده است از جمله عدم خلقش به شرط اجتماع بر محببت علی ﺎ

علاء بر احادیث هم می‌گویند «حب علي بن أبي طالب ۵۰ را نقل

علي بن أبي طالب بیشتر را از بین میرد همانطور که آتش هیزم را از بین میرد و و حب علي بن

أبو طالب حسن لا تضر معا سبحة (نسج اخلاق الحسن، ج 7، ص 149 و 171، ص 30 و 71

ص 372 و 37 و 3 ص 387) به نقل از متن منابع متعدد اهل سنت: نیایش ومورد، ج 1، ص 275 (حب

علي بن أبي طالب حسن) ای است که با وجود أن بی حضرتی زند) دلالت بر همین معتقد است.

علاوه بر آن احادیث بی شمار است که در منابع شیعی نقل شده که از جمله آن می توان به من

میل به عفونت ممکن ۵۰ و میل به عفونت ممکن ۵۰ و میل به عفونت الله ﷺ من احیاء (سالم بن پسر، ص 355،

الجراح الاصیل، ص 320) کسی که به محبب داشته باشد، به محببت داشته است، و

کسی که به محببت داشته باشد، به خدا محببت داشته و کسی که به خدا محببت داشته باشد،

خدا و وزائف (نمی کند) ۵۰ داده اشتر کرد.

ثالثاً جمله معروف شیعی: «کان علی بن أبي طالب ۵۰ در همه الامراء مثل السهیم بن مريم بن نبی

Israel آنه پدر قوم فکروا در حیا و آنها قوم فکروا فی نغص (عهد، ج 4، ص 97) معینی بیز

پذیرفتن مفاد حدیث جوادی نمی توانند داشته باشند. چرا که مراد از دسته اول غالبان است و مراد از

دسته دوم واضح است.

266

1. 321 و ص 278

2. مورخان صحیفة المؤمن حفاظ بن أبي طالب: الجامع، ص 182، ج 3، ص 183، ج 2، ص 33

3. لائم محبب اطاعت ات و به همین جهت رفع علم از نتایج آن معرفی شده است.
8. تليد بن سليمان

وي حدثي في دركات فاطمه زهرا نقل من كند

شاهر (سبطي، بيشينج، ج، ص 14، ج 11) وتاريخ مدينة دمشق ابن عساق (سبطي، بيشينج، ج، ص 16، ج 174، ذيل ترجمة الحسن بن علي بن أبي طالب) نقل من كند. كنجه ابن حجر أو رافضي وضعف في داند (توضيح تسمية) ج، ص 142، رقم 790، لكن أحمد وعلجلي اشكال يرد حدثي اوزو نمي بنيدن (سيان/الاصة) ج، ص 1439، رقم 76، ص 25، رقم 184. واو اذ نظر رجال شيخه مهم است.

نكنت سبطي طرق دير يجري يرجي لحديث ذكر مي كند كث فصن فف آنا مشار مي كند وحرفي في وضع به ميان نمي أوود.

9. موسى بن قيس الحضروي

أو حديثي في مخالفات يبامير بت درخواست أبو بكر وعمر برادر ازدواج باقاطمه زهرا نقل من كند (سبطي، بيشينج، ج، ص 234).

سبطي اتهام عقيل في درف وغلو وأت نمي يذيرد ووثاقث أو را زابين نمي حكاية مي كند، لكن نمي يذيرد ك حجر بن عباس ذ يبامير ووياشي داشته باشدر وقائلي به كلام عقيل يزعمي غرد وواحدات جوسي را مضت بباطل مي خواند.

وقد كلام مؤلف يبايد ففت:

أولاً، يذيرد أداعى إيشان حديث مرسيل است نه موضوع؛ نس ذكر حدثي بر خلاف اهداف تأليف كتاب است.

ثانياً، حجرثة وصحابة است.

1. عن ابن مسعود قال قال سهلا الله إن قاطعة أخصصت فيجاها نفرها الله وذريتها على النار والنص: ج، ص 366.

2. لم نلف أحد من علمائنا في رجل ولا لم تعب، فقط:ando: ج، ص 205، شماره 381.

3. حجر بن العباس وقيل له بن قيس يكنيا أبا السكن وقيل أبو العباس الحضروي الكوفي، كوكب الطريقي في الصحابة وابن حبان في نقاط التابعين وقيل ابن مهين: شيخ كوفي قلة مشهوره ورواة عن علي وغيره. وأخرج له البخاري في جزء ثعاليد بن يبرود والوزمي، الإسقاط في نزاعات الصحابة: ج، ص 332. شماره 374، أجرفه يعرى إناص صاحبالي بودون وي را تبروفناه، اني ابن عباس مي كودي. ثم هنائي ولكننا مي في حيانه .. هو معدود في كبار الشاميين: المجميعات: ج، ص 247، ص 233. أبو العباس في جزء سال 900 هجري دركشته است، السليمي.

4. باليات: ج، ص 11، ص 247.
دفاع از عطبه عوفی

ابن جوزی در مواضع متعدد هنگام یادکرد از عطبه عوفی او را با عیارانی چون "ضعف جمعاء"، فاجعه عیان، "ضعف کل: و "لاحل" کتب حدیث او علی جهت متعجب، تضعیف و روایاتی را به صرف همین تعابیر در می‌کند. اگرچه سیوطی در مواضع متعدد تضعیف بودن او را نقل می‌کند.

و حتی عبایر ابن حبان را می‌آورد که کتب حديث او را فقط برای تضعیف کردند، حال می‌خواند. اما تصریح می‌کند که کار عطبه به جایی نرسیده که احادیث موضوع خوانده شود بلکه ترمذی احادیث را حسین خوانده است.

سیوطی و اتهام علی

او احادیث شش نفری به خاطر غلیظان موضوع می‌داند؛ ابن اتهام گاهی از جانب خود او و گاهی نقل قول دیگران است.

ازمیناد ابن دسته از زبان خصوصی سیوطی، بیشین، همان، ص ۳۳۴. أبو الحسن العلوي (همان، ص ۳۴۴ و) و أبو بكر محمد بن فارس (همان، ص ۲۷۲ و ۲۷۷) در بیان
قبل بررسی شده‌اند.

۱. حبیب بن جوین

او حديث در سابقه عبادت علی ص قبلاً از سایرین نقل می‌کند.

اضطراب کلمات سیوطی در این حديث باور نکردنی است. برای روشن‌تر شدن این تشوه می‌شود
عين عبارات او را می‌آوریم.

(۱) "برادر محمدرضا بن علی الباقی الزنادان ابراهیم بن عمر الیمیکی آناتویا بن محيص بن ماسی حسن بن علی الرحمن بن مرزوق حدثاً اسماعل بن ابی‌عییاسی بن پیام سمعت شعب
بین صنوان عجل حسن نسخه بن کیف علی بن جوین (علی ص) قال: "عبد الله مع رسله قبل ان بعید رجل از امامة خمس سنین از سیستین. موضوع عجل منکر
الحديث وحیاء و از الحدید غالب فی الشیعه.

(۲) "می‌گوید: اجل، مشایخ چهارگانه از اوا روابیت کرده‌اند و ابن عیان و عجلی او را توثیق کرده‌اند.
ابحاثنی می‌گوید: "یا می‌گوید: ضعیف است. و ابن عیدی می‌گوید: قلت: شیعه
رستگاری است و بیشتر راجلی ها او را تضعیف کرده‌اند. عجلی می‌گوید: تابعی نثق اس. طیب‌الی
می‌گوید: "روایت براز او نقل شده است. ابن عیدی می‌گوید: از اوا روابیت منکری که از حد گذشته
باشد. ندیدم (همان، ص ۳۴۹)."
در راستای شناخت بیشتری این دو شخصیت می‌گوییم:

 tally_y

احل ابی احمد: این معیان از ای به ثقای و صالح تعلق می‌کند، عقلی در توییق می‌کند، این

عده مستقیم الحدید مین شیرود و علیه به تأثیر است. این عادات صدوق می‌داند (الحید)

تاریخ: ۱۳۱۷، تهران، ب.کمیال، ج.۲، ص.۲۷۶، ش.۲۰۲).

حبه بن محبی: ارایه نیز کیفیت این و هیچ‌یک سندهائی را حسن می‌داند اگرچه

حملات زیادی به او شده است، این در حال ۲۷۶ در کل هسته است (میناء العیان) ج.۱، ص.۴۵۰.

رقم (۱۳۸۸).

آیا واقعاً سیوطی در صدد پیرایش و بالاپی کتاب موضوعات است یا آنکه به نوعی در مقام

دعای این جوزه به تقویت اندیشه‌هایی یا برخواسته است.

این جوزه در آیندین این حیدیت می‌گوید:

این حیدیت بر حاکم وضع شده است، حیث به اندیشه‌ی نمی‌رود که کذب

است. یکی می‌گوید: حیدیت به این نشاناده دارد. سعی دلال می‌گوید: مگر تحقیق است و این

کبید: یا می‌گوید: یا گالی در نشانده و در حیدیت واهی است.

اما در مرور اغلب: احمد می‌گوید: از آن نکته مربوط مستند نقل کرده است ام احتمال رازی

می‌گوید: به حیدیت یا احتجاج نمی‌شود. و این حیان گفته: نمی‌داند چه می‌گوید.

اگر سمش به پدیدای حیدیت می‌پردازد و می‌گوید: از جمله امروزی که این احادیث را باتل می‌کند آنکه در تقدیم اسلام خدیجه و زید و ابویکر

اختلاف است و عمر در سال ششم بیست و پنجم نفر ابیانان اوست، پس چگونه

این حیدیت صحیح است (الموضوعات، ج.۱، ص.۲۱۴)، پس انصاف آن است که بگویم شیوه برخی محدثین برو تأثیر هنر می‌گوید: (به

استند فقه‌های خود مؤلف) را به چالش وضع نسبت می‌دهند یا پاره‌ای غیر قابل بازگشت

خویش را در میدان مطالعه و واکاوی تیندانند. ام نمی‌تواند عبادت یا را حتی قبل از عبادت

عمر تصور کند، پس این گونه راه اکنون را پیش می‌گیرد.

۲. میبا مولی عبدالرحمن بن عفیف

او حیدیت نقل می‌گوید بهشته را و فراهمانه می‌کند که یا اطاعت علی می‌دانند، و در حیدیت پیامبر

می‌فرماهد که اگر همه مدد از علی اطاعت می‌کردند همگی وارد بهشت می‌شدند (سیوطی).

۱. این حجر می‌گوید: قال الطرفین: بیان آن را نمی‌کند، وإن صح احتمال آن یک حیث راه اطلاعی اساسی تبدیل

المصبه: ج.۱، ص.۲۵۵.
3. سديف بن ميمون المكي

أو حديثي في ذكر شعبة نقل مكي كند (الفقه المسند، ج.1، ص 371). سبويط، ذهب و ابن عباس مياقتهم. حديثي في نزد شعبة برخي أو مرة مهاجرين (معجم صحابي الحديث، ج.8، شمار 3982) و عدئاب

أجل شعبة وأعظم ايشان خوادمهم (سندر، كاتب علم الرجال، ج.4، ص 14، به نقل اهمائي).

سبويط واحديث ابن لهيعة (176-96 ه)

سبويط في حديث عبد الله بن لهيعة في كتاب خود حديث من أورد و درس بأراز موارد

ضعف را تمتوج و ي دانه.

شخصيت أو را موارد مطالعه قرار م دهه:

ثورى: وثيقة أحمد وغيره.

أبو حرام: ثقة (البحر النطاف، ج.1، ص 31).

ابن حجر: صدوق (تربيب التهذيب، ج.1، ص 365).

ابن وهب: الصادق الباس جماعتي ديكر نيزو أو را تتموج نموذجهم (رجال الشيعة في سناب، السنة، ص 282، ش 68).

ذهبي: النظري، الإمام العلامة، محدث سزومين مصر، اسبراهيم علم بوج ولي در حديث.

لغز جود دار (سير المبادل النبوي، ج.8، ص 11).

سبويط: حديث أو حسن (سبويط، ذهبي، هاملان، ص 225).

1. قال رسول الله ﷺ: " أما أشرقت وقاطنة قرها و على نقاها و الحسن و الحق من أمني و وفيها، ستدركات علم الرجال، ج.90، رقم 1428، قلت (سبويط) "حديث بناء أخري الحاكمة في المستدرك، قال حدثنا محمد بن حرب وهو رضي الله عنه الصحابي فكان الحكمة في المستدرك، قال حدثنا محمد بن حرب وهو رضي الله عنه الصحابي فكان الحكمة في المستدرك، قال حدثنا محمد بن حرب وهو رضي الله عنه الصحابي فكان الحكمة في المستدرك، قال حدثنا محمد بن حرب وهو رضي الله عنه الصحابي فكان الحكمة في المستدرك، قال حدثنا محمد بن حرب وهو رضي الله عنه الصحابي فكان الحكمة في المستدرك، قال حدثنا محمد بن حرب وهو رضي الله عنه الصحابي فكان الحكمة في المستدرك، قال حدثنا محمد بن حرب وهو رضي الله عنه الصحابي فكان الحكمة في المستدرك، قال حدثنا محمد بن حرب وهو رضي الله عنه الصحابي فكان الحكمة في المستدرك، قال حدثنا محمد بن حرب وهو رضي الله عنه الصحابي فكان الحكمة في المستدرك، قال حدثنا محمد بن حرب وهو رضي الله عنه الصحابي فكان الحكمة في المستدرك، قال حدثنا محمد بن حرب وهو رضي الله عنه الصحابي فكان الحكمة في المستدرك، قال حدثنا محمد بن حرب وهو رضي الله عنه الصحابي فكان الحكمة في المستدرك، قال حدثنا محمد بن حرب وهو رضي الله عنه الصحابي فكان الحكمة في المستدرك، قال حدثنا محمد بن حرب وهو رضي الله عنه الصحابي فكان الحكمة في المستدرك، قال حدثنا محمد بن حرب وهو رضي الله عنه الصحابي فكان الحكمة في المستدرك، قال حدثنا محمد بن حرب وهو رضي الله عنه الصحابي فكان الحكمة في المستدرك، قال حدثنا محمد بن حرب وهو رضي الله عنه الصحابي فكان الحكمة في المستدرك، قال حدثنا محمد بن حرب وهو رضي الله عنه الصحابي فكان الحكمة في المستدرك، قال حدثنا محمد بن حرب وهو رضي الله عنه الصحابي فكان الحكمة في المستدرك، قال حدثنا محمد بن حرب وهو رضي الله عنه الصحابي فكان الحكمة في المستدرك، قال حدثنا محمد بن حرب وهو رضي الله عنه الصحابي فكان الحكمة في المستدرك، قال حدثنا محمد بن حرب وهو رضي الله عنه الصحابي فكان الحكمة في المستدرك، قال حدثنا محمد بن حرب وهو رضي الله عنه الصحابي فكان الحكمة في المستدرك، قال حدثنا محمد بن حرب وهو رضي الله عنه الصحابي فكان الحكمة في المستدرك، قال حدثنا محمد بن حرب وهو رضي الله عنه الصحابي F
خطب و این عدی; ذاهب الحديث (همان، ص 278).

این عدی; این لهبه لا بیویق به و بدل طلیک کژنایان ضفای (همان، ص 159).

انه با ملاحظه مطالب فوق چنین چنین که گفت مؤلف در برخورد با راویان و
احادیث ایامان نیست. نظر او و خطب و این عدی راجع به این لهبه در همین کتاب مطرح شده
است ولی سبزی رنی تویان نست و ضعی به احادیث او دهد؛ و با این رویه کلام سخاوا در
ذهن ندای و تقویت می‌گردد.

نتیجه نهایی

اگر چه سبیطی را یکی از احادیث شناسایی متعصب نمی‌خوانیم ولی حذف برخی عبارات مهم و کلیدی
وجود در المراجعات و دفاع از احادیث دم ژیزی و معاونیه (همان، صص 388 و 389 و 414) و
موضوع دانستن فضائل اینه حکایت از چنین گزینه‌ای خاص است. هدف او تنظیم و تختیه
کتاب و نقد این سبزی زیادی تحقیق یافته و حدود یک سوم کتاب این جوزی را کم کرده است.
سیزی نتوانسته است کتاب الموضوعات این جوزی را از احادیث ضعیف و حسن عاری کند و
حتی گاهی به آن افراده است. اما تلاش فراوان ادرای راستا عقلی انکار است.
برخلاف این جوزی نمی‌توان سبیطی را دارای اغراض خاص در مواج‌ها با شیعه دانست، ولی
نوعی سعی مشرف در谈起 از اصحاب و خلفای چهارگانه در وی او مشاهده می‌گردد.
استناد زیاد و اعتماد بر ذهی و این حضر و دیگر جلالیون اهل سن این فکر را در سبزی تقویت
می‌کند چنان چه سبیطی اصلی سبیطی در نقد متن و تجمع شواهد و طرق است و مدت در نقد اسناد
تبجر دار و همین باعث تناقضات در موضع‌گیری او شده است.

۱. یک فصل آبی بکر الصدیقی: چند تعصب کاملاً خلاف لهه به‌دنیش آنها فرض نمی‌کند این بکر فضائل...

المراجعات: ج 1، ص 302.
كتاب نامه

- الاختصاص: محمد بن محمد بن نعَّمَان موعود به شيخ مفيد م 492 هـ، تصحيح وتعليق: على
- أكبر غزاز، سيد محمود زرئي، بيروت: دار المفيد، جاَب دوم، 1414 هـ.
- الاستعاب: ابن عبد البر الأندلسي م 563 هـ، تحقيق: على محمد الجلوي، بيروت: دار الجيل،
- جاب أول، 1415 هـ.
- الاصابة في معرفة الصحابة: ابن حجر العسقلاني م 885 هـ، تحقيق: عادل أحمد عبد العزيز و
- على محمد موصوف، بيروت: دار الكتب العلمية، جاَب أول، 1415 هـ.
- تاريخ بغداد، أحمد بن علي الخطيب البغدادي م 632 هـ، تحقيق: مصطفى عبد القادر عطا، بيروت:
- دار الكتب العلمية، جاَب أول، 1417 هـ.
- تاريخ مدينة دمشق، ابن عساكر م 499–517 هـ، تحقيق: حسين بن يحيى، بيروت: دار الفكر،
- 1415 هـ.
- تذكرة الخلفاء: شمس الدين محمد ذهبي م 748 هـ، بيروت: دار احياء التراث العربي.
- تقرير التهذيب، ابن حجر العسقلاني م 852 هـ، تحقيق: عبد القادر عطا، بيروت: دار الكتب، جاَب
- 1415 هـ.
- تهذيب التهذيب، ابن حجر العسقلاني م 853 هـ، بيروت: دار الفكر، جاَب أول.
- تهذيب الكمال، جمال الدين يوسف المزير م 654–674 هـ، تحقيق: بشار عواد، بيروت: الرسالة،
- جاَب أول، 1416 هـ.
- القلات: محمد بن جعفر بن مسرة م 354 هـ، حيدر آباد، مجلس دائرة المعارف العثمانية، جاَب أول,
- 1420 هـ.
- الجامع الصغير، جلال الدين سبوعي م 911 هـ، بيروت: دار الفكر، جاَب أول.
- الجرح والتعديل، أبو حاتم رازي، بيروت: دار احياء التراث العربي، جاَب أول، 1373 هـ.
- الجوامع التسعة، محمد بن حسن معاويا م 1411 هـ، ترجمة: نعَّم، جاَب دوم، 1384 هـ.
- القدر الغريض، عبد الرحمن سبوعي م 911 هـ، تحقيق: نجدت تجيب، بيروت: دار احياء التراث
- العربي، جاَب أول، 1421 هـ.
رجال الشيعة في ساسن، محمد جعفر طبسي، قم: مؤسسة معارف إسلامي، ج1، 1390 هـ.
- سير اعلام البلاد، شمس الدين محمد ذهبي م، تحقيق: شبيب ازرويو، الرسالة، ج1، 1367هـ.

- شرائط الفتيان في اختبار من ذهب، عبدالله بن عماد حنبل م، بيروت: دار الفكر.

-شرح احكام الحج، شهيد نور الله تستري، شهادات 1191 هـ، قم: كتابخانه آيت الله مرجعی.

-الضياع، الكبير محمد بن عمرو المقالي، تحقيق: عبد المعطي أمين قلوعي، بيروت: دار الكتب العلمية، ج1، 1391 هـ.

- طرائف المقالات في معرفة القضاة الرجال، سيد علي بربري م، 1315 هـ، تحقيق: سيد مهدي رجالي، قم: كتابخانه آيت الله مرجعی، ج1، 1390 هـ.

-الجسد الفريد، أحمد بن محمد بن عبد ربه م، 1328 هـ، تحقيق: محمد التويجى، بيروت: دار صادر، 1390 هـ.

- الغدير، محمد حسين أمين م، بيروت: دار الكتب العربي، ج1، 1397 هـ.

- فضائل سيدة النساء، عمر بن شاهين م، 1385 هـ، تحقيق: أبو أسحاقي الجويني، قاهره: مكتبة التربية الإسلامية، ج1، 1391 هـ.

- قاموس الرجال، محمد تقى تستري، قم: جامعه مدرسین، ج1، 1392 هـ.

- الكافش في معرفة من له الرواية، شمس الدين محمد ذهبي م، 1348 هـ، تحقيق، محمد عوامه، ج1، 1390 هـ.

- الكافش، في ضعف الرجال، عبد الله بن عبد الله، 1367 هـ، تحقيق: سهيل زكريا، بيروت: دار الفكر، ج1، 1400 هـ.

- الكشف الحبيث، سبت من المجمي، تحقيق: صبحي السامرائي، بيروت: عالم الكتب، ج1، 1407 هـ.

- الكشف الطون، مصطفى بن عبدالله معروف به حاجي خليفه م، 1340 هـ، تحقيق: فيسيي بيلگه

- الكليسي، محمد شرف الدين بالتقايا، بيروت: دار احياء التراث العربي.

- الكواكب الساطور، نجم الدين الغزی م، 1361 هـ، تحقيق: جبريل جبور، بيروت.

- السلامة المصورة، جلال الدين سبزوار م، تحقيق: أبو عبد الرحمن صلاح بن محمد بن عوينة، بيروت: دار الكتب العلمية، ج1، 1417 هـ.

- مستندات علم الرجال، على نماذج شاهرودی م، 1345 هـ، تهران: حددی، ج1، 1414 هـ.

232
1-معجم رجال الحديث، أبو القاسم خوبي م 1411 هـ، قم: مركز انتشار آثار شيعه، 1410 هـ.
2-معجم البلدان، ياقوت بن عبد الله حموي م 626 هـ، بيروت: دار احياء التراث العربي، 1399 هـ.
3-معجم المؤلفين، عمر رضا كحله، بيروت: دار احياء التراث العربي.

- معرفة الثقافة، أحمد بن عبدالله عجيلي 1836-1436 هـ، مدينه: مكتبة الدار، جاپ، أول، 1405 هـ.
- مقدمة تذكرة الحفاظ، أبي المحاسن الحسيني الدمشقي م 765 هـ، بيروت: دار احياء التراث العربي.
- الموضوعات، عبد الرحمن بن علي بن جوزي 510 - 597 هـ، تحقيق: عبد الرحمن محمد عثمان، بيروت: دار الفكر، جاپ، دوم، 1403 هـ.
- ميزان الاعتدال، شمس الدين محمد ذهبي م 748 هـ، تحقيق: صدقي جميل عطاز، بيروت: دار الفكر، جاپ، دوم، 1447 هـ.
- نقد الرجال، سيد مصطفى حسيني نفروشي، قم: آل البيت، جاپ، أول، 1498 هـ.
- نواح السجلات، محمد بن جرير طبري، قم، مدرسة الإمام المهدي، جاپ، أول، 1410 هـ.
- الوافي بالوفيات، صالح الدين خليل بن أبيك الصوفيي م 764 هـ، تحقيق: أحمد ارناوتو وتركى مصطفى، بيروت: دار احياء التراث العربي، 1432 هـ.
- الاقفين والمحصن، على بن طاوس حتى 583 - 644 هـ، تحقيق: انصارى، مؤسسة التقلبي لحياء التراث، جاپ، أول، 1413 هـ.
- يتبع السمحة لدلوى الفرعي، سليمان بن إبراهيم قنودزي 1320 - 1394 هـ، تحقيق: سيد على جمال اشرف حسيني، اسوه، جاپ، أول، 1416 هـ.